

2 گروه «مزدور» و فتنه‌انگیز

حضرت آیت الله العظمی امام خامنه‌ای، در دیدار رئیس و اعضای مجلس خبرگان رهبری با تأکید بر اینکه که؛ از راهبردهای اساسی دشمنان اسلام و بخصوص ...



حضرت آیت الله العظمی امام خامنه‌ای معرفی کردند:

2 گروه «مزدور» و فتنه‌انگیز #171

حضرت آیت الله العظمی امام خامنه‌ای، در دیدار رئیس و اعضای مجلس خبرگان رهبری با تأکید بر اینکه که؛ از راهبردهای اساسی دشمنان اسلام و بخصوص دشمنان نظام اسلامی در منطقه، راهبرد ایجاد اختلاف فرقه‌ای و مذهبی و مسئله‌ی شیعه و سنی است؛ تصریح کردند: دو دسته، عامل و مزدور دشمن در این زمینه شدند: یک دسته از سنی‌ها، یک دسته از شیعه‌ها؛ یک دسته، آن تکفیری‌های منحرف از حقیقت دین، یک دسته هم از کسانی که برای دشمن کار می‌کنند، زیر اسم شیعه و به نام شیعه، تحریک احساسات دیگران را می‌کنند، و دشمنی‌ها را توجیه می‌کنند و آتش فتنه را برافروخته می‌کنند. هر مجموعه‌ای، هر دستگاهی، هر دولتی که فریب این توطئه‌ی بزرگ را بخورد و غرق بشود در این قضیه، و هر مجموعه‌ای که اشتباه بکند، قطعاً ضربه خواهد زد به حرکت اسلامی و به نظام اسلامی، بخصوص به کشور ما ضربه خواهد خورد. من اصرار دارم بر اینکه بزرگان علما، چه شیعه، چه سنی، چه در ایران، چه در مناطق دیگر، توجه بکنند که اختلافات بین فرقه‌های اسلامی نباید موجب بشود که ما یک جبهه‌ی جدیدی در مقابل خودمان باز کنیم و از دشمن اصلی که دشمن اصل اسلام و دشمن استقلال و دشمن بهروزی مردم منطقه است، غافل بمانیم.

متن کامل بیانات معظمله

به این شرح است

بسم الله الرحمن الرحيم

خوشامد عرض میکنم به آقایان محترم، علمای اعلام و برجستگان روحانی در سرتاسر کشور که بحمدالله در این جلسه مجتمع هستید. و اگرچه وظیفه‌ی مجلس خبرگان وظیفه‌ی محدودی است در قانون اساسی، لکن نقس تشکیل این جلسه و اجتماع آقایان، موجب این شده است که بحثهای گوناگون مربوط به جنبه‌های مختلف و عرصه‌های مختلف کشور هم مطرح بشود، آقایان اظهار نظر کنند. خوب، مسئولین هم در جلسه حضور دارند، خوشبختانه رئیس جمهور محترم و بعضی از مسئولین محترم دیگر، عضو این مجلس هستند و این امید افزایش پیدا میکند که نظرات آقایان مورد توجه بیشتری قرار بگیرد. امیدواریم ان شاءالله که همین جور باشد؛ ما هم تا آنجایی که توان هست، امکان هست و سعی میدان مسئولیت و قدرت هست، ان شاءالله به آنچه مورد نظر آقایان است، کمک خواهیم کرد.

* جامعه‌ی ما نیاز دارد که یاد شهیدان زنده بماند

این نکته را هم من لازم میدانم عرض بکنم که کار تشییع جنازه‌ی شهدا - که در آغاز این اجلاس انجام گرفت - کار بسیار مفید و سازنده‌ای بود. (۲) اینکه مردم ببینند شخصیت‌های محترم و بزرگ، ریاست محترم مجلس و دیگران، به پیکر شهدا و تابوت شهدا

احترام می‌گذارند - شهادتی که آنها را نمی‌شناسند؛ به صرف اینکه این‌ها شهیدان راه انقلاب و راه حق هستند - زیر تابوت آنها می‌روند و تشییع می‌کنند، این درسی است برای جامعه‌ی ما؛ و من عرض بکنم کشور ما و جامعه‌ی ما تا مدت‌های مدید نیاز به این دارد که یاد شهیدان زنده بماند و راه شهیدان نمایان بماند.

* تأکید بر نگاه کلان و جامع

به مسائل کشور

مطلبی که به ذهن من رسید که عرض بکنم، این است که ما در سطوح مختلف تصمیم‌گیری و تصمیم‌سازی نظام، وظیفه داریم به مسائل گوناگون کشور با نگاه کلان و جامع نگاه کنیم. پیدا است که حوادث گوناگون که خارج از اختیار ما است - چه در سطح منطقه، چه در سطح جهان و چه حتی در سطح کشور - اتفاق می‌افتد. نظام اسلامی و مسئولان و ستونهای نگه‌دارنده‌ی این نظام در کنار آحاد مردم وظائفی دارند، نمیتوان این وظائف را در نسبت با حوادث تعریف کرد؛ یعنی حادثه‌ای اتفاق می‌افتد، ما به صورت انفعالی در مقابل این حادثه یک حرکتی بکنیم، یک موضعی بگیریم، یک اقدامی بکنیم، این نمی‌شود؛ این به معنای کشانده شدن نظام جمهوری اسلامی به این سو و آن سو است. لازم است نگاه جامع و نگاه کلان به مسائل - که خب بحمدالله در کشور این نگاه کلان و جامع حاکم هم بوده؛ این جور نبوده است که مسئولان از اول انقلاب تا امروز غفلت از این کرده باشند - همچنان حفظ بشود و با این نگاه جامع در مقابل حوادث موضع بگیریم، حادثه را بشناسیم.

* شعار جمهوری اسلامی «؛ تحقق دین خدا در زندگی مردم» است

نظام جمهوری اسلامی در میان تندباد حوادث گوناگون شکل گرفت؛ این حرف بارها تکرار شده است، لکن نباید از یاد ببریم نظامی که شعارش عبارت است از تحقق دین خدا در زندگی مردم و در جامعه‌ی مردمی و کشور، شعارش قالب‌گیری زندگی اجتماعی ما است با شریعت الهی و دین الهی و ضوابط و ارزشهای الهی، یک چنین نظامی در دنیایی که دو سه قرن با سرعت به سمت مادی‌گری پیش رفته و شکل گرفته، چیزی شبیه معجزه بود و این معجزه اتفاق افتاد.

* «؛ مبارزه با استکبار» و «؛ مردم‌سالاری»، از دل اسلام جوشید

از اول تشکیل نظام اسلامی هم معارضه‌ها با «؛ تکیه‌ی بر اسلام» شروع شد؛ نگوئیم که استقلال کشور یا سیاست مبارزه‌ی با نظام استکبار، موجب دشمنی‌های آنها بود - که این حقیقتی است، همین است - منتها مبارزه‌ی با استکبار از دل اسلام جوشید، مردم‌سالاری ما از دل اسلام جوشید. بارها عرض شده است که این جور نیست که وقتی ما می‌گوئیم مردم‌سالاری دینی، این به معنای یک ترکیب انضمامی بین مردم‌سالاری با یک مفهومی است و دین با یک مفهوم دیگری؛ این نیست. مردم‌سالاری ما از دین سرچشمه گرفته است، اسلام این راه را به ما نشان داده است، با هدایت اسلام است که ما به نظام جمهوری اسلامی رسیدیم؛ بعد از این هم به توفیق الهی همین جور خواهد بود.

* دشمنی‌ها متمرکز و متوجه

به اسلام است

این دشمنی‌ها متمرکز و متوجه به اسلام است؛ اگر چنانچه اسلام را از این نظام گرفتند و حذف کردند، آنچه ناشی از اسلام هم هست، به‌طور طبیعی حذف خواهد شد یا تضعیف خواهد شد یا کم‌رنگ خواهد شد؛ با این نگاه باید مسائل را تحلیل کرد. صف‌بندی‌هایی وجود دارد در دنیا و در بسیاری از این صف‌بندی‌ها ما یک طرف قضیه هستیم؛ باید ببینیم طرف مقابل ما کیست؟ چیست؟ چرا دشمنی میکند؟ ما چرا در مقابل او مقاومت میکنیم؟ اینها را با یک نگاه کلان باید دید.

* معنای «؛ سَوِيًّا عَلٰی صِرَاطِ مُسْتَقِيمٍ»

فرمود: اَمَّنْ يَمْشِي مَكْبًا عَلٰی وَجْهِهِ اُهدى اَمَّنْ يَمْشِي سَوِيًّا عَلٰی صِرَاطِ مُسْتَقِيمٍ؛ (۳) معنای «؛ سَوِيًّا عَلٰی صِرَاطِ مُسْتَقِيمٍ» همین است که با چشم باز، با بصیرت، با بینش، با ملاحظه‌ی همه‌ی جوانب، ببینیم که هدف چیست و راه [رسیدن] به این هدف چیست و واقعیاتی که در سر راه ما وجود دارد، اینها چیست؟ با توجه به اینها تصمیم‌گیری کنیم و حرکت بکنیم.

* بیداری اسلامی تمام‌شده نیست

امروز شما ملاحظه کنید در منطقه‌ی ما حوادث گوناگونی در جریان است. از چندین سال پیش تا امروز، دستگاه استکبار، غرب آسیا را منطقه‌ی تاخت و تاز خودش قرار داده؛ علی‌رغم حضور استکبار در منطقه و فعالیت‌هایی که آنها کردند، بیداری اسلامی به وجود آمد؛ و من عرض بکنم بیداری اسلامی تمام شده نیست؛ این‌چنین نیست که ما خیال کنیم که حالا با حوادثی که در بعضی از کشورها اتفاق افتاد، بیداری اسلامی از بین رفت. بیداری اسلامی یک حادثه‌ی سیاسی محض نبود که مثل یک کودتایی، مثل یک جابه‌جایی‌ای، یکی بیاید و یکی برود، بعد دیگری بیاید او را از بین ببرد.

* حقیقت «؛بیداری اسلامی»

بیداری اسلامی به معنای این بود که یک حالت تنبّه و آگاهی و خودباوری با تکیه‌ی به اسلام در جوامع اسلامی پدید آمد؛ در شمال آفریقا بر طبق یک اقتضائاتی، در مصر مثلاً یا در تونس یا قبل از اینها در سودان، حوادثی را به وجود آورد؛ در جاهای دیگر هم این زمینه‌ی بالقوه به طور کامل وجود دارد. این‌چنین نیست که ما فکر کنیم که بیداری اسلامی از بین رفته است؛ نه، این یک واقعیتی در زیر پوست ظاهری جوامع است. لذا شما می‌بینید در کشوری که ادعای گرایش به اسلام می‌کند، مردم به آن دولتی که گرایش به اسلام دارد رأی می‌دهند؛ این نشانه‌ی اقبال به اسلام و توجه به اسلام است. بنابراین حادثه‌ی بیداری اسلامی یک حادثه‌ی بسیار بزرگی است که وجود داشت؛ علی‌رغم استکبار این حادثه به وجود آمد، برخلاف خواسته‌ی استکبار بود. و طبیعی است که از آن طرف هم واکنش وجود دارد؛ امروز ما واکنش جبهه‌ی دشمن را داریم مشاهده می‌کنیم، هم در شرق منطقه‌ی ما، یعنی در منطقه‌ی پاکستان و افغانستان تا منتهای غرب آسیا، یعنی منطقه‌ی سوریه و لبنان، حوادث وجود دارد.

* حضور استکبار در منطقه، زورگویانه و زیاده‌خواهانه است

جبهه‌ی استکبار - که خب فرد شاخص جبهه‌ی استکبار هم دولت ایالات متحده‌ی آمریکا است - منافعی برای خودش در منطقه تعریف کردند با نگاه استکباری - یعنی همان نگاه استعماری قرن نوزدهمی با شکل جدید - و به دنبال این هستند که همه‌ی مسائل منطقه را با توجه به این منافعی که برای خود تعریف کردند، حل بکنند؛ قضیه‌ی سوریه هم از همین قبیل است، قضیه‌ی بحرین هم از همین قبیل است. حضور استکبار در این منطقه، حضور متجاوزانه و زورگویانه و زیاده‌خواهانه‌ای است که هر مقاومتی در مقابل خودش را می‌خواهد از بین ببرد؛ البته تا به حال بحمدالله نتوانستند و نخواهند توانست.

این منطقه، منطقه‌ی سرشار از ثروت و دارای موقعیت بسیار مهم جغرافیایی و طبیعی است، طبیعتاً به این منطقه توجه دارند، نظر دارند، که اگر انسان نگاه کند به حرف‌های این‌ها و آنچه که تاکنون انجام دادند، هدفشان این است که این منطقه را با محوریت رژیم صهیونیست، متعلق به خودش کنند و حاکمیت خودش را در آنجا مستقر کنند؛ دنبال این هستند.

* کیست که دروغ بودن ادعاهای آمریکا را نداند؟

در همین قضایای اخیر سوریه هم ملاحظه می‌کنید، این بهانه‌ای که اخیراً مطرح کرده‌اند، مسئله‌ی شیمیایی است. حالا البته با زبان‌بازی و لفاظی سعی میکنند که وانمود کنند به خاطر یک مسئله‌ی انسانی می‌خواهند وارد این قضیه بشوند؛ کیست در دنیا که دروغ بودن این ادعا را نداند؟ آنچه که برای سیاستمداران آمریکا بلاشک مطرح نیست، همین جنبه‌های انسانی است. اینها کسانی هستند که در زندان گوانتانامو و قبل از آن در ابوغریب عراق، چند هزار زندانی را بی‌محاکمه به صرف اتهام، چند سال نگه داشتند، هنوز هم عده‌ای از آنها هستند؛ خب، این انسانی است؟

* این‌ها بمباران شیمیایی حلبچه و سردشت را دیدند و دم بر نیاروند

اینها کسانی هستند که بمباران شیمیایی وسیع صدام را در این منطقه - چه آنچه در حلبچه‌ی عراق اتفاق افتاد، چه آنچه در شهرهای ما، سردشت و غیره، اتفاق افتاد - دیدند و دم بر نیاروند، بلکه حتی کمک هم کردند؛ حالا ما فرض کنیم که کمک به معنای این نبوده است که آمریکائی‌ها ابزار شیمیایی را به آنها داده باشند - البته غربی‌ها دادند، در این تردیدی نبود و اطلاعاتش دست ما هست - ولی حداقل این است که آمریکائی‌ها دیدند، مطلع شدند و کمترین اعتراضی نکردند، این‌ها مسئله‌ی انسانی‌شان این‌جوری است.

* آمریکائی‌ها دنبال مسئله‌ی انسانی نیستند

در افغانستان، در پاکستان، کاروان‌های عروسی مردمی را به رگبار بستند، افرادی را کشتند، صدها هزار را در عراق به زور و ظلم کشتند، از بین بردند، الان هم عوامل آن‌ها هنوز دارند همین کارها را میکنند؛ این‌ها دم بر نمی‌آورند. مسئله‌ی انسانی چیزی نیست که کسی در دنیا باور بکند که آمریکائی‌ها دنبال این هستند؛ حالا لفاظی می‌کنند، زبان‌بازی میکنند، این را می‌گویند برای اینکه بتوانند حرکت خودش را توجیه کنند. و البته ما عقیده‌مان این است که اینها اشتباه می‌کنند، خطا می‌کنند و ضربه‌ی وارده‌ی بر خودش را در این

زمینه احساس خواهند کرد و قطعاً در این مورد ضرر خواهند کرد؛ در این تردیدی وجود ندارد. خب، این وضع منطقه است.

* 3 مؤلفه‌ی بزرگی که مجموعه‌ی مسئولان باید

در نظر داشته باشند

نظام جمهوری اسلامی با آن سابقه‌ی بسیار معجزآسا - که در میان این تندباد حوادث به وجود آمد، بعد هم در طول سال‌های متمادی، در مقابل معارضه‌ها ایستاد و نه فقط ضعیف نشد و شعارهای او کمرنگ نشد، بلکه روزبه‌روز از لحاظ واقعی قوی‌تر شد؛ که جمهوری اسلامی امروز با جمهوری اسلامی سی سال قبل و بیست و پنج سال قبل، از لحاظ اقتدار و توسعه‌ی نفوذ و توانایی‌های درونی، تفاوت از زمین تا آسمان دارد؛ و شعارهای او هم شعارهای مستحکمی است - و با نگاه به نقشه‌ی دشمن در این منطقه، باید بداند که چه باید انجام بدهد؛ آنچه ما تصوّر می‌کنیم که وظیفه‌ی ما است، وظیفه‌ی مجموعه‌ی مسئولان کشور است، وظیفه‌ی دولت جمهوری اسلامی است، این است که این سه مؤلفه‌ی بزرگ را برای همه‌ی تصمیم‌گیری‌ها و همه‌ی اقدام‌ها در نظر داشته باشد:

* اول، آرمانها و اهداف نظام جمهوری اسلامی

مؤلفه‌ی اول عبارت است از آرمانها و اهداف نظام جمهوری اسلامی؛ که این اهداف و آرمانها مطلقاً نایستی از نظر دور بشود؛ که آرمان نظام جمهوری اسلامی را میشود در جمله‌ی کوتاه «#171؛ ایجاد تمدن اسلامی» خلاصه کرد. تمدن اسلامی یعنی آن فضایی که انسان در آن فضا از لحاظ معنوی و از لحاظ مادی میتواند رشد کند و به غایات مطلوبی که خدای متعال او را برای آن غایات خلق کرده است برسد؛ زندگی خوبی داشته باشد، زندگی عزتمندی داشته باشد، انسان عزیز، انسان دارای قدرت، دارای اراده، دارای ابتکار، دارای سازندگی جهان طبیعت؛ تمدن اسلامی یعنی این؛ هدف نظام جمهوری اسلامی و آرمان نظام جمهوری اسلامی این است.

* دوم، راه‌های رسیدن به اهداف

مؤلفه‌ی دوم عبارت است از راه‌هایی که ما را به این اهداف میرساند؛ راهبردهای عمومی و کلی؛ این راهبردها را بایستی شناخت، تکیه‌ی بر اسلامیت، ملاحظه‌ی ظالم نبودن و مظلوم نشدن در تعاملات گوناگون؛ اینکه فرمود: «كُونَا لِلظَّالِمِ حَصْمًا وَّ لِلْمَظْلُومِ عَوْنًا» (۴) این یک وظیفه است، این یک راهبرد کلی است. راهبرد تکیه‌ی به آراء مردم و آنچه که مردم‌سالاری را تشکیل میدهد و راهبردهایی از این قبیل؛ اینها سیاستهای کلان و اساسی و راهبردهای اصلی نظام جمهوری اسلامی است برای رسیدن به آن آرمانها؛ کار عمومی، تلاش عمومی، ابتکار عمومی، وحدت ملی، و از این قبیل چیزهایی که وجود دارد.

* سوم، واقعیات را هم باید دید

[و سوّم] واقعیات، واقعیات را هم باید دید؛ که من حضور مسئولان نظام و کارگزاران نظام در ماه مبارک رمضان، (۵) عرض کردم که آنچه ما لازم داریم، آرمان‌گرایی با نگاه به واقعیات است. واقعیات را هم باید درست فهمید، آنچه که از واقعیات ما موجب اقتدار است، آنها را باید شناخت؛ آنچه از واقعیات ما که کمبود و نقص است، آنها را هم باید شناخت؛ آنچه که مانع حرکت است، اینها را باید شناخت؛ واقعیات را باید درست فهمید. من تعدادی از واقعیات را اسم بردم در آنجا که اینها واقعیات‌های شیرین موجود ما است، هم‌اشار نباید نقص‌ها را دید یا ضعف‌ها را دید. وجود فکرهای برجسته، وجود عناصر فعال و مبتکر، رواج معرفت دینی و معنویت در بین بخش وسیعی از نسل جوان، بقاء شعارهای دینی و اسلامی، نفوذ روزافزون نظام جمهوری اسلامی در منطقه و در عالم؛ اینها واقعیات‌هایی است که وجود دارد؛ این واقعیات‌ها را هم باید دید. البته واقعیات‌های تلخی هم در کنار این، مثل همه‌ی زندگی انسان که مخلوطی از شیرینی و تلخی است، وجود دارد؛ با تکیه‌ی به آن واقعیات‌های شیرین و تقویت آنها، بایستی کوشش کرد برای اینکه واقعیات‌های تلخ و نامطلوب زدوده بشوند یا کم بشوند.

* 3 عنصر که باید در نظر داشت؛ «#171؛ آرمانها»؛ «#171؛ راهبردها» و «#171؛ واقعیات‌ها»

این سه عنصر را باید در نظر داشت؛ یعنی آرمان‌ها را از نظر دور نداشت، راهبردها را بایستی از نظر دور داشت، البته واقعیات‌ها را هم باید دید. اگر چنانچه واقعیات‌ها را نبینیم، راه را درست نخواهیم رفت؛ اما وجود واقعیات‌ها هم بایستی ما را از راه‌هایمان منصرف نکند. اگر چنانچه وجود یک صخره‌ای در راه موجب بشود ما از راه برگردیم، خطا کردیم؛ اگر وجود این صخره ندیده گرفته بشود و بی‌محابا انسان برود، باز هم خطا کرده؛ اما اگر چنانچه نگاه کنیم ببینیم در اطراف این صخره چه راه‌هایی را میتوان ایجاد کرد، یا خود این صخره را چگونه میتوان برداشت، یا در او منفذی ایجاد کرد، یا راه موازی‌ای برای آن پیدا کرد، آن وقت این نگاه صحیح به واقعیات‌ها است، این همان کاری است که امام بزرگوار ما در فصل اول این انقلاب یعنی در آن ده سال تعیین‌کننده و بسیار حساس انجام دادند.

* امام بزرگوار در مورد رژیم صهیونیستی از هیچ کس تقیّه نکرد

امام بزرگوار، در مقابل واقعیّت‌ها چشم خود را نبست، اما کوتاه هم نیامد، راهبرد را فراموش نکرد. ببینید وضعیّت امام را، زندگی امام را، شعارهای امام را؛ امام بزرگوار همان کسی است که در مورد مسئله رژیم صهیونیستی از هیچ کس تقیّه نکرد؛ اینکه رژیم صهیونیستی یک غده‌ی سرطانی است و باید از بین برود، این حرف امام است. در قبال شرارتهای قدرت مستکبر و مداخله‌گر آمریکا هیچ تقیّه‌ای و ملاحظه‌ای نکرد؛ اینکه آمریکا شیطان بزرگ است، این حرف امام است. اینکه حمله‌ی جوانان مسلمان و دانشجویان مسلمان به سفارت آمریکا و تصرف ابزارها و مدارک جاسوسی آنها را امام انقلاب دوّمی دانست که شاید از انقلاب اوّل مهم‌تر است، این حرف امام است؛ اینها حرفهای امام است، اینها روشهای امام است. در قضیّه‌ی جنگ، اینکه فرمود: جنگ تا رفع فتنه، این حرف امام است؛ دیگران میگفتند جنگ جنگ تا پیروزی، امام فرمود جنگ تا رفع فتنه. این ایستادگیها بود که پایه‌ی این نظام را مستحکم کرد.

* مصر قطعاً این‌جور نمی‌شد

اگر ...

آن کسانی که این راه را نشناختند و در کشورهای خودشان جور دیگری عمل کردند، برای اینکه دل مستکبرین را به‌دست بیاورند از اصول خودشان گذشتند و شعارهای اساسی خودشان را فراموش کردند، ملاحظه می‌کنید که به چه روزی افتادند؛ آن‌ها کسانی هستند که اگر چنانچه در مصر شعار مبارزه‌ی با اسرائیل وجود می‌داشت، اگر در مقابل وعده‌های آمریکا و عوامل آمریکا کوتاه نمی‌آمدند، این‌جور معلوم نبود بشود، یعنی قطعاً این‌جور نمی‌شد که دیکتاتور سی‌ساله‌ی ذلیل‌کننده‌ی ملت مصر از زندان آزاد بشود و آن کسانی که با رأی مردم انتخاب شده بودند، احتمال محکومیت به اعدام درباره‌ی آنان برود؛ اصلاً چنین چیزی ممکن نبود پیش بیاید. آن کسانی که در میدان ایستادند در مقابل همین منتخبین - ساده‌دلان - شعار دادند، اگر آن مواضع اصولی می‌بود، نصف آنها یا بیشتر آنها به طرف این‌ها می‌آمدند، یعنی کسانی نبودند که مقابله کنند، معارضه کنند. از مواضع اصولی وقتی انسان عقب‌نشینی کرد، این‌جور خواهد شد. اینها چیزهایی است که به‌هرحال باید [رعایت کرد].

* اساس کار،

تقویت ساخت درونی نظام است

آنچه که ما احساس می‌کنیم که برای رفع مشکلات باید انجام داد - مشکلات هم مال امروز نیست، مشکلات همیشه وجود داشته است، در همه‌ی کشورها هم وجود دارد؛ یعنی اگر کسی تصوّر کند که حالا در فلان کشور پیشرفته، یا فلان کشور اروپایی، یا غربی، یا ثروتمند، یا پرجمعیت، یا کم‌جمعیت، مشکلاتی وجود ندارد، خطا است؛ مشکلات همه‌جا هست؛ طبیعت کار یک ملت این است که بالاخره در کار او مشکلاتی وجود دارد، مسئولینش باید آن مشکلات را برطرف بکنند و حرکتشان را ادامه بدهند؛ حالا بعضی می‌خواهند مشکلات را با کمک دیگران، با تکیه‌ی به دیگران، با رشوه دادن به دیگران، با تذلّل در مقابل دیگران حل کنند؛ بعضی‌ها هم نه، می‌خواهند مشکلات را با نیروی خودشان، با توان داخلی خودشان حل کنند - اعتقادمان این است که باید به تقویت ساخت درونی نظام اهمیّت بدهیم؛ این اساس کار است. از درون، خودمان را باید تقویت کنیم. تقویت درونی با اندیشه‌ی کامل، با نگاه عاقلانه و خردمندانه چیزی است ممکن؛ چه به‌وسیله‌ی پیشرفت علمی، چه به‌وسیله‌ی ساخت و مدیریت درست اقتصادی؛ اینها کارهایی است که به نظر ما ممکن است.

خب، امروز شما ملاحظه کنید، وقتی روی نفت ما فشار می‌آورند، ما دچار مشکل می‌شویم، این ناشی از چیست؟ ناشی از این است که ما تکیه‌مان را به نفت از بعد از دوره‌ی جنگ و پایان جنگ تا امروز، نتوانستیم کم کنیم، اگر ما تکیه‌مان را به نفت کم می‌کردیم، فشار بر روی نفت این‌قدر برای ما سخت تمام نمی‌شد. بنابراین به خودمان بایستی مراجعه کنیم، از خودمان بایستی بخواهیم که گره‌ها را با نیروی اراده حل کنیم.